

## شاهزاده تریاکی

۱۶ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۵۶

حمیدرضا قبلاً دچار هروئین شده بود و نزدیک بود از بین برود یک شب دایه حمیدرضا جلو شهبانو را مگسگیرد و مگسگوید مگر حمیدرضا برادر شاه نیست اگر هست چرا جلو این مریضی را نمگسگیرید دارد از بین مگسرود شهبانو هم به عرض شاهنشاه مگسرساند و شاهنشاه هم دو سال پیش به تیمسار نصیری دستور مگسدهد که حمیدرضا را بدون سرو صدا بگیرند....

از : ۳۰۲۰

تاریخ : ۴۹/۴/۱۵

به : ۳۲۷

شماره : ۵۲۰/۲۸۸۰۸

در تاریخ ۴۹/۴/۹ ساعت ۲۰ در باشگاه ایران کریم راننده مادر والاحضرت محمودرضا و حمیدرضا بطور خصوصی اظهار مگسداشت شب گذشته والا حمیدرضا جواب سلام دربان باشگاه را نداده و علتش دیر شدن تریاکش بوده و حال جواب دادن به کسی را نداشت به او گفته شد مگر تریاک مگسکشد گفت حمیدرضا قبلاً دچار هروئین شده بود و نزدیک بود از بین برود یک شب دایه حمیدرضا جلو شهبانو را مگسگیرد و مگسگوید مگر حمیدرضا برادر شاه نیست اگر هست چرا جلو این مریضی را نمگسگیرید دارد از بین مگسرود شهبانو هم به عرض شاهنشاه مگسرساند و شاهنشاه هم دو سال پیش به تیمسار نصیری دستور مگسدهد که حمیدرضا را بدون سرو صدا بگیرند در یک جای دور افتادهای بستری کنند شاید هروئین را ترک کند تیمسار نصیری هم دو نفر از کارمندان سازمان را مأمور این کار مگسکند و حمیدرضا را یک شب که از یک بار بیرون مگسآمده، مگسگیرند و به یک خانه دور افتاده مگسبرند و مشغول معالجه کردنش مگسشوند و تا دو ماه کسی از او خبری نداشت تا مادر حمیدرضا به تیمسار نصیری ناسزا مگسگوید، نصیری هم اجازه مگسدهد تلفنی با حمیدرضا صحبت بشود و موقعی که مادر حمیدرضا مگسخواستند به شیراز بروند، اجازه حمیدرضا را از شاهنشاه گرفتهاند و با خود به شیراز مگسبرند ولی دو نفر از مأموران سازمان امنیت همه جا او را تعقیب مگسکنند ولی زن سابق حمیدرضا به نام هما نیز به شیراز رفته و یک روز حمیدرضا را از دست مأمورین خلاص مگسکند و با ماشین خودش به تهران مگسآید حمیدرضا را به خانه خودش مگسبرد و بعداً مأمورین سازمان او را در خانه همسر سابقش پیدا مگسکنند و وقتی مگسخواهند او را ببرند به تمام مأمورین ناسزا مگسگوید و این جریان را به عرض شاهنشاه مگسرساند این بار شاهنشاه مگسفرمایند حالا که خودش این طور مگسخواهد به حال خودش بگذارید البته دیگر هروئین نمگسکشد ولی تریاک و شیره تریاک مگسکشد بعد هم هما را رها کرده و با خواهر زن سابقش عروسی کرد.

yandory.ir

۲- جنم ۵۱۸  
 ۳- سن ۸  
 ۴- تاریخ تولد ۱۳۴۹/۳/۲۹  
 ۵- آدرس محل سکونت ۱۳/۲/۲  
 ۶- آدرس محل کار ۱۳/۲/۲  
 ۷- ملاقات حضوری ۱۳/۲/۲

مدیر دفتر

شماره ۲۲۷۶  
 شماره ۲۲۷۶  
 شماره ۲۲۷۶  
 شماره ۲۲۷۶  
 شماره ۲۲۷۶  
 شماره ۲۲۷۶

تاریخ ۱۳/۲/۲۹ ساعت ۲۰ در باشگاه ایران گرم رانندگی مادر و والا حضرت سعیدرضا و حمید رضا بخور  
 پس اشجار جدا شد و جدا شد والا حضرت حمید رضا جواب سلام در میان باشگاه رانندگی و وطنش در فستون  
 نشوید و مجال جواب دادن به کسی را نداشت به او گفته شد مگر نه آنکه میکند گفت حمیدرضا قبلاً در چاره رشت  
 بود و نزدیک بود از بین برود که شب دایه حمیدرضا جنون شبانوار را میگرد و میگرد مگر حمیدرضا برادر شاه  
 الا حضرت چرا جنون این مریضی را نمیگرد دارد از بین میرود شبانوار هم مریض شاهنشاه مریساند و شاهنشاه  
 سوال پیش به تیسار نصیری دستور میدهد که حمید رضا را بدون سروصدا بگیرند در یک جای درون خانه ای  
 زنی کنند که شاید هر وقت را ترفند کند تیسار نصیری هم دو نفر از کارکنان سازمان را با هم این کار میکند حمید  
 را با کتیب که از یک بار بیرون میاید میگردند و به یک خانه درون خانه میگردند و مشغول معالجه کردنش میشوند  
 دریا کسی از او خبری نداشت که مادرش تیسار نصیری ناسزا میگوید نصیری هم اجازه تلفن با حمید رضا  
 میدهد و مادر حمیدرضا میداند که به شیراز بروند اجازه حمید رضا را از شاهنشاه گرفته اند و با خود به  
 از شیراز ولی دو نفر از ما مریض سازمان اعطای همه جا او را تعقیب میکنند ولی زن سابق حمیدرضا بنام سنا  
 به شیراز رفته میگرد حمید رضا را از دست ما مریض خلاص میکند و با ما همین خودی به تهران میاید و حمید رضا  
 خانه خودی میرود و بعد ما مریض سازمان او را در خانه همسایگش پیدا میکند و وقتی میخواهند او را  
 به تمام ما مریض ناسزا میگوید و این جرمان را مریض شاهنشاه مریساند این بار شاهنشاه مریمانند

۱۳۰  
 خانم سعیدرضا  
 ۱۰۶۸۱۱  
 ۱۳/۲/۲۹

الا که خودی اینطور میخواهد بحال خودی بگذارد البته دیگر هر وقت نمیتواند و  
 همه هر روز میکنند بعد هم سنا را رها کرده و با خواهر زن سابقش همس کردن  
 نظریه یکشنبه - حفاظت منبع ضروریست -

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۰۳۶/شاهزاده>